



اجتهاد متمم دین است/ توانایی عقل عملی برای کشف حکم الهی

آیت‌الله محقق داماد گفت: اجتهاد متمم دین است و بدون اجتهاد باید به پایان دین معتقد باشیم و عقل عملی می‌تواند در موارد سکوت کتاب و سنت، حکم الهی را کشف کند.

آیت‌الله محقق داماد گفت: اجتهاد متمم دین است و بدون اجتهاد باید به پایان دین معتقد باشیم و عقل عملی می‌تواند در موارد سکوت کتاب و سنت، حکم الهی را کشف کند.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، نشست «اجتهاد هست‌ها و باید‌ها» بعد از ظهر امروز، ۷ اردیبهشت، به همت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی در سالن عدالت دانشکده حقوق این دانشگاه برگزار شد. در این نشست آیت‌الله محقق داماد، استاد حقوق دانشگاه بهشتی، حجت‌الاسلام والمسلمین فیرحی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و حجت‌الاسلام والمسلمین علیدوست، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به سخنرانی پرداختند. اجتهاد متمم دین است

در آغاز نشست آیت‌الله محقق داماد گفت: اجتهاد اولین بار توسط ابوبکر به کار نرفته است و اولین بار پیامبر(ص) آن را به کار برده است و این بر می‌گردد به زمانی که یمن، اسلام آورده بود و اولین چیزی که نیاز داشت یک قاضی خوب بود، پیامبر(ص) می‌خواست معاذ بن جبل را به یمن بفرستد و با او مصاحبه‌ای کرده و پرسید چگونه قضاوت خواهی کرد که او گفت از روی قرآن و سنت، سپس پیامبر(ص) پرسید اگر حکمی در این دو نبود چه می‌کنی؟ معاذ گفت که من حکم را اجتهاد خواهم کرد، که پیامبر این قول را تایید می‌کنند و سپس می‌گویند خدا را شاکرم که دوستان من را چنین تربیت کرده است.

وی ادامه داد: در قرآن واژه اجتهاد را نداریم و واژه استنباط را در آیه ۴ سوره نساء «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَ الَّذِينَ يُسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا: و چون خبری [حاکمی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند قطعاً از میان آنان کسانی‌اند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود مسلماً جز [شمار] اندکی از شیطان پیروی می‌کردید» داریم که ای کاش به جای اجتهاد استفاده می‌شد.

وی افزود: اخبار را باید به اهلش بدهید تا ارزیابی کنند و به نوعی خبر را دروازه‌بانی کنند. استنباط از نبط به معنای آب کشیدن از چاه عمیق است. خوب بود به جای اجتهاد استنباط به کار بردن می‌شد که این ریشه قرآنی را دارد. از این لغت مجاز گرفته شده است برای دانشی که این طور به دست می‌آید.

محقق داماد تصریح کرد: وقتی می‌گوییم اسلام دین خاتم است به این معنی است که نبوت پایان یافت و خاتمیت دین را ختم نکرده است و به این معنی است که کسی از طرف خدا به نبوت مبعوث نخواهد شد. اگر بخواهیم شریعت احمدی جاودان باشد با توجه به اینکه قانون زمانمند است، باید اجتهاد کنیم و اجتهاد متمم نبوت است. اگر اجتهاد نبود باید پیامبر دیگری می‌آمد و یا باید دوران دین به پایان می‌رسید.

اجتهاد کشف حکم است نه وضع قانون

گزارش ایکنا حاکی است، علیدوست در آغاز سخنانش گفت: مطلب آیت‌الله محقق کوتاه و بنیادین بود. من در خصوص ماهیت‌شناسی و گستره اجتهاد سخن خواهم گفت. در قرآن بارها توحید در تشریع مطرح شده است. عقل انسان می‌گوید هیچ انسانی نمی‌تواند قانون وضع کند و این خداست که می‌تواند قانون‌گذاری کند.

وی ادامه داد: ما در این صورت اصولی اسلامی خواهیم داشت. ما تنها یک منبع تشریع داریم که اراده الهی است و تنها نهادی که توسط خداوند مشخص شده است می‌تواند قانون‌گذاری کند. بر همین اساس ما قوه مقننه نداریم و در زمان مشروطه سخن مشروعه‌طلبان همین بود.

علیدوست افزود: از دیگر الزامات توحید در تشریع این است که ما قرآن، سنت، عقل و اجماع را منابع تشریع ندانیم بلکه اینها اسناد کاشف اراده الهی است.

وی تصریح کرد: از این دو به ماهیت اجتهاد می‌رسیم. اجتهاد قانون‌گذاری نیست، کشف شریعت است. مجتهد می‌کوشد با مراجعه به اسناد، اراده الهی را بفهمد و اجتهاد عملیات کشف خواهد بود.

وی با بیان اینکه بعضی تصورات باید اصلاح شود، گفت: مجتهد دستش در روش‌شناسی باز است، اما از این نظر که باید کشف کند و نه وضع، دستش بسته است.

حجت‌الاسلام والمسلمین علیدوست در خصوص گستره اجتهاد، گفت: اگر بپرسیم در فلسفه فقه مهمترین مسئله چیست، باید بگوییم یکی از مهمترین مباحث این بحث است. گستره اجتهاد دو بنیان دارد، اولی گستره شریعت است. بدون مشخص کردن محدوده شریعت نمی‌توان از گستره اجتهاد صحبت کرد.

وی ادامه داد: در این راستا نظرات حداکثری و حداقلی وجود دارند و اگر می‌بینید برخی در هر مسئله‌ای اجتهاد را داخل می‌کنند به این خاطر است که در گستره شریعت حداکثری می‌اندیشند.

وی با بیان اینکه آیا اجتهاد حکم‌شناسی، موضوع‌شناسی و مصداق‌شناسی و یا اجتهاد دو ساحت موضوع‌شناسی و حکم‌شناسی را شامل می‌شود، گفت: هر اندیشه‌ای باید موضوعی برای حکم داشته باشد آنچه مهم است مصداق‌شناسی است و سوال این است آیا مصداق‌شناسی جز اجتهاد است؟

وی ادامه داد: برخی موارد اجتهاد باید وارد مصداق‌ها شود یا برخی اوقات مصداق معین شده است. اما در عموم موارد مصداق‌شناسی‌ها جزء اجتهاد نیست. در ماهیت قانون توقیت مستتر است که در مرحله مصداق‌شناسی است.

اجتهاد و تجدد

در ادامه این نشست حجت‌الاسلام فیرحی طی سخنانی گفت: موضوع بحث این است، اجتهاد در دوران جدید با چه مسائلی روبرو شده است. در یک جامعه دینی اجتهاد قابل چشم‌پوشی نیست. اجتهاد هنر مؤمنانه زیست است و جامعه مسلمانی نمی‌توان باشد که اجتهاد نداشته باشد. گستره شریعت بحث جدید و غیرمهمی است، زیرا اجماع مسلمانان این است که دین اسلام جامع و خاتم است. بحث گستره از جامعه مسیحی وارد شده و هیچ یک از فقهای بزرگ از این بحث صحبت نکرده‌اند. وی افزود: وقتی ما به ادبیات مسلمانی نگاه می‌کنیم، عملی نیست که به نص ارجاع نشود. برخی اعمال منصوص‌اند که شرع در این زمینه جاری می‌شود و برخی اعمال منصوص نیستند که اجتهاد در این زمینه عمل می‌کند.

فیرحی در خصوص وضع کنونی اجتهاد، گفت: اتفاق جدیدی رخ داده است. اجتهاد از ابتدا بوده اما آنچه بسیار مهم است، این که ایران ما از ۱۲۸۵ شمسی که حدود یکصد و ده سال پیش می‌شود با مسائلی مانند دولت ملی مدرن مواجه شده که قبلاً مطرح نبوده است. از این سال ایده یک حکومت برای جامعه اسلامی از بین رفته است. دولت ملی در چارچوب سرزمینی واحدی است که تعهدات جدایی دارد و قوانینی وضع می‌کند که برخاسته از حقوق ملی است و هیچ ربطی به قوانین شرعی ندارد. مرحوم مدرس معتقد بود که مراد از شرعی بوده، موافقت با شرع و عدم مخالفت با شرع لذا اجتهاد هنر تعریف سیاست ملی به گونه‌ای که مخالف شرع نباشد نه به این معنا که نظر شرع کشف شود.

وی گفت: در مشروطه از مجلس قانونگذاری تعبیر می‌شود، از بیان امام خمینی(ره) است که از مجلس برنامه‌ریزی تعبیر می‌شود. اجتهاد از ۱۲۸۵ با معمای سبک زندگی جدید مواجه شده است و همه کتب فقهی بر اساس ادبیات قدیم تنظیم شده است.

فیرحی با بیان اینکه موضوعات جدید هنوز تثبیت نشده است، گفت: این بحث‌ها اجتهاد را با دنیای جدیدی روبرو کرده است. وی ادامه داد: ما از ۱۳۵۸ به یک پرسش انحرافی مواجه شدیم که مدیریت باید فقهی باشد و یا علمی و برخی وقت‌ها پرسشی غلط حیات اجتماعی را به خطر می‌اندازد. وقتی می‌گوییم عملیات اجتهاد روی دو مبنای تلاش برای پیدا کردن مسئله و حکم است؛ دو مکتب وجود دارد، یکی مکتب سنتی که معتقد است موضوعات غیراستنباطی را باید عرف بشناساند، در این صورت علوم انسانی چشم و چراغ فقه خواهند بود. نظر رادیکالی پیدا شده است که می‌گوید فقیه باید موضوع را بشناسد و با توجه به گستردگی موضوعات فقیه ناتوان از موضوع‌شناسی خواهد بود. شاید بحث اجتهاد کلیدی‌ترین بحث ماست که به تنظیم مجدد رابطه علوم انسانی با فقه بپردازیم.

عقل عملی می‌تواند حکم الهی را کشف کند

در ادامه آیت‌الله محقق داماد گفت: اجتهاد به دست آوردن احکام تنها از اسناد یا متون نیست و اجتهاد عملی عقلانی است و عقل از منابع اجتهاد است. عقل علاوه بر عقل نظری عقل عملی را نیز شامل می‌شود و با عقل عملی می‌توان حکم خدا را استخراج کرد.

وی افزود: قانون با قواعد فرق می‌کند قواعد کلی دو گونه است بخشی فرازمانی است که قواعد اخلاقی از این داشته‌اند. محقق داماد با بیان اینکه بخشی از قواعد، قراردادهای بشری‌اند که قابل تغییر است، گفت: اگر روزی عقلا جور دیگری توافق کردند، قواعد کلی حاصل توافق است. تفاوت قانون و قواعد این است که قانون ضمانت اجرا دارد.

وی افزود: در مشروطه دعوا سر چه بود؟ راز دعوا این بود که مشروطه خواهان مجلس قانون‌گذاری مدون مثل فرانسه و بلژیک می‌خواستند اما مشروطه خواهان می‌گفتند مجلس باید دست قضا را باز گذاشته و قانون‌گذاری عرفی باشد.

آیت‌الله محقق داماد تصریح کرد: با تأسیس قانون مدون، کار حوزه‌ها تمام شد. حرف صاحب عروه این بود که دست قاضی را نبندید. اگر قاضی مجتهد باشد و اگر نظرش مخالف قانون مدنی باشد چه کار می‌تواند بکند، او تنها می‌تواند پرونده را قبول نکند.

وی در پایان خاطرنشان کرد: قاضی باید اجتهاد قضایی داشته باشد به این معنی که قانون را بفهمد و بتواند با قوانین اجتهاد کند و این کار باید با علم اصول فقه صورت گیرد.